

واکاوی و بررسی بازارهای تجاری شیعیان در عراق در دوران بویهان *

فاطمه اخروی^۱

چکیده

شیعیان از قرون اولیه هجری بخشی از ساکنان عراق را تشکیل می‌دادند. آن‌ها در شهرهای شیعه‌نشین کوفه و بصره زندگی می‌کردند. علاوه بر این، در دوره عباسی، سایر شهرهای عراق از جمله بغداد و حله نیز میزبان شیعیان بودند. از قرن دوم هجری به بعد، وضعیت شیعیان عراق از جهت خودکفایی اقتصادی تغییراتی کرد. وجود دو رود بزرگ دجله و فرات در عراق و زمین‌های کشاورزی در این منطقه به اقتصاد شیعیان کمک شایانی کرد. همچنین به لحاظ جغرافیایی باید وجود راه‌های کاروانی و تجاری ایران، ماوراءالنهر، مصر و آناتولی را با وجود امنیت راه‌های تجاری زمینی و دریایی در این دوره از عوامل رونق بازرگانی در شهرهای عراق عنوان کرد. با این ترتیب عراق توانست از رونق اقتصادی بالایی برخوردار شود. در دوره مورد بحث، شیعیان عراق به عنوان جزئی از بدنه جامعه اسلامی به امور اقتصادی توجه فراوانی داشتند. آنان همگام با برخورداری از آزادی سیاسی و تسامح حاکمان شیعی بویه، برای ورود به عرصه اقتصادی و به دست گرفتن نبض بازارهای این ناحیه تلاش فراوان می‌کردند. این پژوهش به فعالیت‌های اقتصادی شیعیان در دوره بویهان پرداخته و در پی پاسخ به این سؤال است که فعالیت‌های اقتصادی شیعیان در شهرهای شیعه‌نشین عراق در دوره بویه در چه زمینه‌هایی بوده است؟ پس از مطالعه و بررسی متون و تحقیقات صورت پذیرفته به روش توصیفی-تحلیلی این نتیجه حاصل آمد که شیعیان عراق در دوره مورد مطالعه، در دو زمینه بازرگانی و حتی ابزارهای دست‌ساز بومی و منطقه‌ای، فعالیت قابل توجهی را به انجام رسانیده‌اند. آنان در مسائل اقتصادی از تجربه و مهارت بسیاری برخوردار گشتند، حتی گاهی از دیگر رقبای تجاری خود پیشی گرفتند. سودآوری تجارت منطقه‌ای شیعیان در هنگامی که رواداری حاکمان بیشتر بود، ثمرات به مراتب بهتری برای شیعیان داشت، چنان که در دوران خاندان شیعه بویه در تشکیلات خلافت حضور شیعیان در فعالیت‌های اقتصادی افزون‌تر گشت و آنان به کسب ثروت پرداختند.

کلید واژگان: عراق، بویهان، شیعه، فعالیت‌های بازرگانی، بازارهای تجاری.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۲۱- تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۰۷ مقاله پژوهشی

۱. دکتر تاریخ و تمدن ملل اسلامی- هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد- مدرس تاریخ مؤسسه علمی- تحقیقی مکتب نرجس، مشهد، ایران / okhrave@gmail.com

فعالیت‌های اقتصادی مسلمانان و چند و چون آن از موضوعاتی است که همواره مورد توجه اسلام بوده است. اسلام بر این موضوع تأکید دارد که «مَنْ لَا مَعَاشَ لَهُ، لَا مَعَادَ لَهُ». همچنین ثروت و کسب روزی حلال را سبب استواری جامعه و دولت می‌داند و دولت‌های کم‌برخوردار از ثروت را بهره‌مند از استقلال نسبی معرفی نمی‌نماید. از همین جهت خداوند متعال در قرآن کریم، آیاتی را به اقتصاد اختصاص داده و آن را سبب قوام و استقامت انسان‌ها می‌داند و می‌فرماید: «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ مَعْرُوفًا»^۱. همچنین در آیات مختلف بر ورود مسلمین به عرصه فعالیت‌های اقتصادی تأکید دارد. در همین راستا شیعیان نیز به عنوان گروهی از جامعه مسلمین در عرصه فعالیت‌های تجاری ورود نموده و در شهرهای شیعه‌نشین کوفه و بصره به فعالیت اقتصادی پرداختند. با استقرار خاندان شیعی آل‌بویه در عراق، دوره شکوفایی اقتصاد شیعیان آن سرزمین آغاز گردید. دلایل عدیده‌ای از جمله افزایش جمعیت، مصرف کالاهای تجملی و بالا رفتن سطح زندگی در قرون چهارم و پنجم هجری موجب رونق بازارها گردید. علاوه بر این، شهر بغداد بر سر راه خراسان قرار داشت و محل تلاقی راه‌های کاروان‌رو بود. همچنین محل تشکیل بازارهای ماهانه آنجا بود (مقدسی، ۱۳۶۱، ۱۹۵-۱۹۶). صنعتگران نیز در بازارها و کارگاه‌ها و کارخانه‌ها به اشتغال مشغول بودند (بویل، ۱۳۸۹، ۲۱۸/۵ - ۲۱۷). بغداد در دوره حضور بویه‌یان مبدل به بازار بزرگی برای اشیاء تجملی شد؛ از جمله پارچه ابریشم که بسیاری از این کالا نیز به خراسان، ماوراءالنهر و فارس صادر می‌شد (فرای، ۱۳۸۸، ۱۸۳). توصیف بازارهای عراق به دلیل اهمیت

۱. واموالتان را که خداوند مایه قوام و برپایی زندگی شما گردانیده به سبک‌مغزان ندهید، ولی به آنان از درآمدتان بدهید و لباس بپوشانید و با آنان به صورتی شایسته سخن گویند (نساء: ۵).

تجارت در اقتصاد شیعیان و توزیع جغرافیایی اماکن تجاری شاخص در این منطقه، مهم است.

منطقه کرخ که در جنوب بغداد و در میان دو رود صراه و عیسی قرار داشت، مرکزی برای مبادلات اقتصادی محسوب می‌شد که با گسترش شهر بغداد این منطقه شیعه‌نشین در وسط شهر قرار گرفت (حموی، ۱۳۸۰، ۴/۴۴۸). در دوره مورد بحث، تنوع مشاغل و افزایش صادرات و واردات و همچنین ورود بازرگانان باعث رونق بازارهای تجاری شیعیان نسبت به دوره‌های قبل گشت.

امروزه تاریخ‌نگاری برخلاف روش سنتی که بیشتر توجه خود را به زندگی حاکمان و وقایع سیاسی می‌کرد، به بررسی اجزای تشکیل‌دهنده زندگی روزانه می‌پردازد و به مواردی نظیر مسائل اقتصادی، حرف و شغل‌ها توجه می‌نماید (موسی پور، ۱۳۸۹، ۱۴۷). پرداختن به اوضاع اقتصادی شیعیان در عراق در دوران حکومت دولت شیعی بویه‌یان از موضوعات مهم مربوط به تاریخ اقتصادی شیعیان است. در واقع بررسی بطن زندگی اقتصادی شیعیان در طول تاریخ موجب شناخت صحیح از وضعیت اقتصادی آنان می‌گردد و گره‌گشای بسیاری از سؤالات مطرح شده در رابطه با شیعیان می‌باشد.

با آغاز خلافت عباسی و انتقال مرکز خلافت به عراق، شیعیان که از دیرباز در شهرهای این سرزمین کهن زندگی می‌کردند، تحت تأثیرات سیاسی مرکز خلافت عباسیان در بغداد قرار گرفتند. افزون بر تأثیرگذاری مسائل فرهنگی، اجتماعی و مذهبی بر وضعیت اقتصادی شیعیان عراق، سیاست‌های خلفای عباسی و دولت‌های تابعه نیز نقش بسزایی در گسترش، رشد یا محدودیت‌های شیعیان در امور اقتصادی در عراق داشته است. شیعیان در این دوره زمانی در شهرهایی چون بغداد، حله، بصره، کوفه و غیره تحت کنترل شدید حکومت عباسی، به زندگی و کسب و کار محدود

خویش می‌پرداختند اما با روی کار آمدن بویه‌یان و ایجاد فضای باز سیاسی، شیعیان مجالی بیشتری برای ورود به عرصه‌های اقتصادی چون تجارت و بازرگانی به دست آوردند.

خلفای عباسی در دوران اولیه حکومت، از ثروت بسیاری برخوردار بودند. آنان با استفاده از قدرت سیاسی، توانسته بودند کنترل اقتصادی جامعه را در دست بگیرند. اما با کاهش روز افزون اعتبار سیاسی خلیفه و نیز مطرح شدن مسائلی در ارتباط با دنیاگرایی، جایگاه خلیفه آسیب دید. در چنین وضعیتی خلفا تصمیم به واگذاری امور کردند. این امر با انتصاب اولین امیرالامرای معزالدوله بویه‌ی همراه شد (مسکویه، ۱۳۷۶، ۲۲/۶). سپس خلیفه عباسی مجبور شد بسیاری از امتیازات اقتصادی خود را به وی واگذار کند. معزالدوله نیز بسیاری از درآمدهای دیگر خلیفه مانند درآمد ولایات و اراضی کشاورزی منسوب به او را تصرف کرد. درآمد و اختیارات این اراضی که از کنترل خلیفه خارج می‌گردید، به مرور جزء دارایی‌های معزالدوله بویه‌ی قرار می‌گرفت. او نیز این درآمدها را در راستای اهداف خود برای رونق جایگاه اقتصادی شیعیان به کار می‌برد (مسکویه، ۱۳۷۶، ۱۸۶/۶-۱۸۵).

پیشینه تحقیق

طبق بررسی‌های به عمل آمده، پژوهش مستقل و منسجمی با عنوان مورد نظر تألیف نشده است. در واقع پژوهش‌های جدید اغلب به تاریخ اجتماعی و سیاسی شیعیان یا مشاغل مسلمانان و شیعیان در قرن‌های قبل یا سال‌های حضور ائمه علیهم‌السلام پرداخته‌اند. از جمله:

۱. کتاب «تاریخ العراق الاقتصادية فی القرن الرابع الهجری» اثر دکتر عبدالعزیز دوری (۱۹۹۵م) که تنها به وضعیت اقتصاد در قرن چهارم هجری پرداخته است. استیلاي آل‌بویه علاوه بر روند طبیعی توسعه، تغییرات زیادی را به دنبال داشت. این

تحقیق مشتمل بر هشت فصل، تلاشی است برای روشن کردن جنبه پیچیده زندگی در دوره مهم قرن چهارم هجری. در این پژوهش نویسنده در ذیل بیان اوضاع اقتصادی عراق، به شیعیان اشاره اندکی دارد. در واقع این خلأ علمی در زمینه اوضاع و روابط اقتصادی شیعیان در این سه قرن وجود دارد.

۲. کتاب «تجارت سرزمین‌های شرقی در سده‌های نخستین اسلامی» نوشته برتولد اسپولر. در این پژوهش به تجارت در قرن چهارم هجری با محوریت بغداد پرداخته شده است. بغداد در آن زمان به صورت پایگاهی تجاری برای سرزمین‌های شرقی درآمد بود؛ یعنی انواع کالاها از بغداد به اقصی نقاط دنیا صادر می‌شد. در این نوشتار به دورنمایی از واردات و صادرات به شهر بغداد همچنین گسترش اسلام به سرزمین‌های دور و مرزهای چین پرداخته شده است. اما در باب شیعیان و عملکرد تجاری آنان مطلبی نیامده است.

۳. کتاب «العامة فی البغداد فی القرنین الثالث و الرابع للهجرة دراسة فی التاريخ الاجتماعي»، اثر دکتر فهمی عبدالرزاق سعد که به تاریخ بغداد در قرن‌های سوم و چهارم هجری و بیان اوضاع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن پرداخته است. نویسنده در این کتاب تنها به ذکر اقتصاد بغداد اکتفا کرده است.

۴. کتاب «ساختار سیاسی - اجتماعی شیعیان عراق» از فرج الله قاسمی در مورد وضعیت اجتماعی شیعیان است که به طور پراکنده به اقتصادشان نیز پرداخته است.

۵. کتاب «اصناف در عصر عباسی» تألیف صباح ابراهیم الشیخلی به بررسی وضعیت پیشه‌وران در این دوره، سلسله مراتب صنف‌های مختلف، ارتباط اصناف با حکومت و مسئله مالیات‌ها، تطور کشاورزی و در امتداد آن پیدایش مالکیت‌های زراعی، رشد صنعت، ایجاد اصناف و حرفه‌ها در بازارها و محله‌های مخصوص پرداخته اما در باب عملکرد اقتصادی شیعیان تأمل چندانی ننموده است.

۶. پژوهش «مشاغل و مناصب شیعیان در قرن‌های سوم تا ششم هجری قمری» نوشته حدیث جهانگیریان (۱۳۹۴)، منتشر شده در فصلنامه علمی شیعه‌شناسی که به مشاغل شیعیان ایران و عراق در این سه قرن پرداخته است. نویسنده در ابتدا به معرفی مشاغل مسلمانان از ظهور اسلام تا قرن سوم هجری پرداخته و در ادامه بر زمینه فعالیت‌های شیعیان ایران متمرکز شده و کمتر به فعالیت شیعیان عراق اشاره نموده است.

۷. پژوهش «نقش منازعات مذهبی در تضعیف اقتصادی پیشه‌وران بغداد در قرن چهارم و پنجم ق» به قلم کامران حمانی و مقصود علی صادقی گندمانی (۱۴۰۰) منتشر شده در نشریه پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام. این مقاله ابتدا به معرفی محلات شهر بغداد و ترکیب فرقه‌های مذهبی در این محلات پرداخته و سپس به منازعات مذهبی در سال‌های مختلف و خسارات صورت گرفته اشاراتی کرده است. این مقاله بیشتر به توصیف حوادث و درگیری‌های میان دو فرقه اهل سنت و شیعه پرداخته است.

این پژوهش‌ها گرچه می‌تواند در بررسی و معرفی مشاغل اقتصادی مسلمانان اطلاعات مفیدی در اختیار قرار دهد، اما از نظر محدودیت مکانی و زمانی و نیز بررسی اقتصاد شیعیان و دولت‌های شیعه در دوره مورد نظر موضوع پژوهش را پوشش نداده است. از این رو ضروری به نظر می‌رسد که در این خصوص، پژوهش مفصل و مجزایی صورت گیرد.

۱. بازارهای تجاری شیعیان

بازارها به عنوان مکان‌های دادوستد تجار و بازرگانان، در زندگی اقتصادی، اجتماعی و گاهی در زندگی سیاسی دولت‌های شیعه نقش بزرگی داشته است (یعقوبی، ۱۳۷۱، ۱/ ۲۷۰). بازارها جزء حیاتی شهرهای اسلامی محسوب می‌شدند و از

آن جا که مراکز تجاری داخلی و خارجی بزرگی در اختیار دولت‌ها قرار داشت، آن‌ها به آبادانی و استحکام بازارها و دکان‌ها توجه خاصی داشتند. بازارها در شهرهای اسلامی دارای اشکالی گوناگون بود؛ در برخی شهرها، یک قسمت از شهر مانند بازارهای شهر کوفه قرار داشت (یعقوبی، ۱۳۷۱، ۱/ ۳۱۱)، یا در خارج شهر و در کنار هم مانند بازارهای کرخ در بغداد برای انجام فعالیت‌های اقتصادی ساخته می‌شد (یعقوبی، ۱۳۷۱، ۱/ ۲۴۵).

بغداد بعد از ورود بویه‌یان به این شهر در سال ۳۳۴ق از حیث ساخت‌وساز، ثروت و جمعیت به سرعت رشد یافت و بازارهای جدیدی در آن برای مشاغل مختلف شکل گرفت. بازار بغداد به جهت مبادلات کالا و رفت‌وآمد تجار و بازرگانان شیعه، اهمیت قابل ملاحظه‌ای داشت. محله کرخ آبادترین مرکز بغداد محسوب می‌شد و بازرگانان زیادی در آنجا سکونت داشتند و به دلیل جمعیت زیاد بازرگانان، رونق منطقه کرخ همواره روندی رو به رشد داشت (جهانی، ۱۳۸۵، ۹۸) طوری که این محله تا قرن چهارم و پنجم هجری از مراکز آباد و ثروتمند محسوب می‌گردید؛ منطقه‌ای که توانگران و تجار در آن به آمدوشد و کسب تجارت می‌پرداختند و در آن بازارهای متعدد و مستقل و پررونق و مملو از کالا دایر بود.

بازار بزرگ شیعیان محله کرخ بغداد از قصر وضاح تا سه‌شنبه بازار به طول دو فرسخ و از قطعه زمین ربیع تا دجله به پهنای یک فرسخ امتداد داشت و برای هر نوع صنعت و بازرگانی و هر نوع تجارتی بازارهای معینی بود و در آن بازارها رسته‌ها، دکان‌ها و میدان‌های متعددی وجود داشت و هر بازاری از دیگر بازارها جدا بود و هر صنفی از کسبه، تنها در راسته خویش به کسب و کار می‌پرداختند. یعقوبی در مورد شکوه و عظمت بازارهای کرخ چنین می‌نویسد: «هر دسته‌ای از صنعتگران از غیر صنف خود جدا هستند و میان این محله‌ها، خانه‌های مردم است از دهقانان و



بازرگانان و جز اینان از مردم متفرقه که گذرها و کوی‌ها به آن نسبت داده می‌شود و در بغداد بخشی بزرگ‌تر از آن نیست» (یعقوبی، ۱۳۸۱، ۱۸).

با توجه به مستندات تاریخی و این نکته که محله کرخ و باب الطاق از محلات شیعه‌نشین بودند و وجود بازارهای متعدد در این منطقه که در آن کالاهای متنوع و مختلفی عرضه می‌گشت و تبادلات گسترده‌ای در این گونه بازارها به صورت عمده‌فروشی و خرده‌فروشی انجام می‌شد به نظر می‌رسد بازارهای شیعیان باید از رونق و تبادلات مالی گسترده‌ای برخوردار بوده باشند تا بتوانند تقاضای گسترده‌ی تجار و دیگر بازاریان از شهرها و سرزمین‌های مختلف را برآورده نمایند. لذا می‌توان گفت بخش عمده‌ی تجارت بغداد در دست بازاریان شیعه مذهب بوده است. طبق منابع متعدد، سده‌های سوم و چهارم هجری دوران آبادانی شهر بغداد عنوان شده و قرن چهارم هجری اوج شکوه و عظمت بغداد بوده است (ابن طقطقی، ۱۳۵۰، ۲۶۹).

در این دوره تجار شیعه با تلاش‌های حکمرانان بویهی توانستند کالاهای تولیدی خود را به بخش‌های مختلف سرزمین عراق منتقل کنند و با طی نمودن مسیرهای تجاری با بازرگانان سرزمین‌های دور چون روسیه، چین و غیره به مبادلات بازرگانی بپردازند و بازارهای مهم و دائمی را برای عرضه‌ی محصولات خویش به دست آورند. به عنوان نمونه زکریابن‌احمدبن‌محمدبن‌یحیی (م. ۳۴۸ق) با کنیه‌ی ابویحیی از جمله شیعیانی بود که به پارچه‌فروشی اشتغال داشت. وی علاوه بر این، نسب‌شناس و فاضلی مشهور بود که کتاب «الابانه عن الامامه» از اوست (حموی، ۱۳۸۹، ۵۶۹/۱).

وضعیت بازرگانی در قلمرو آل‌بویه اهمیت ویژه‌ای برای دولت شیعه و تمام جهان اسلام داشت. زیرا تجارت یکی از بهترین وسایل ارتباط فرهنگی و نقل و انتقال اطلاعات محسوب می‌گردد. در اثر گسترش تکاپوهای بازرگانی، تجار شیعه در اکثر نقاط عالم رفت‌وآمد کرده و به خرید و فروش می‌پرداختند (ابن‌خردادبه، ۱۳۷۱، ۶۶-).

۶۵). توسعه و تجارت در زمان رکن‌الدوله بویه‌ی تا مناطقی از اروپا نیز رسید. این موضوع را سکه‌های ضرب شده با نام و نشان او که در کشور دانمارک و در پی حفاری کشف شد، تأیید می‌نماید (قهرمانی، ۱۳۵۰، ۲۶). حکمرانان بویه‌ی برای رشد اقتصاد از زمان عضدالدوله بویه‌ی به ضرب سکه‌ی درهم نقره پرداخته، برای مبادلات خویش سکه‌هایی را ضرب می‌کردند (یحیایی، مصباحی، ۱۳۹۶، ۱۹۸).

همان‌طور که گذشت بزرگ‌ترین بازارها در محله‌ی شیعه‌نشین کرخ در غرب بغداد قرار داشت که مرکز اصلی مبادلات تجاری در عراق بود. در این دوره شیعیان برای رفع نیازهای خود در زمینه‌ی تجارت و خرید و فروش کالا دست به تکاپوهای بی‌شماری زدند. در سال ۳۲۳ق در بغداد، آتش‌سوزی کرخ به بازار عطاران، دارو فروشان، روغن فروشان و جواهر فروشان سرایت کرد که آثار آن تا سال‌ها بعد شیعیان را تحت تأثیر قرار داد، ولی آبادانی خود را در دوران ورود بویه‌یان شیعی دوباره به دست آورد (الدوری، ۱۳۸۷، ۲۷؛ بدری، ۱۳۸۷، ۶۸).

در کرخ، مغازه‌های جداگانه‌ای نیز خارج از بازارها یافت می‌شد (حموی، ۱۳۸۹، ۲۳۴/۷). برخی از شیعیان در آن محل‌ها مغازه داشتند و جزو فروشندگان خوراک، بزازها و عطارها بودند (ابن‌عبری، ۱۹۹۲، ۲۳). محمد بن عبد الحمید (م. حدود اواخر قرن سوم ق) از عطارهای شیعه‌ی معروف بود که در این بازار مغازه داشت (طوسی، ۱۳۸۷، ۴۳۵). همچنین در سمت راست بازار به طرف درب الخرازین بقال‌ها (سبزی فروش‌ها)، خرده فروش‌ها و میوه فروش‌ها و در سمت قبله بازار به سوی درب الخرازین و خرازاها (دوزندگان کفش و مشک) و در طرف درب الخرازین از سمت چپ بازار به سمت دجله کارگران روزمزد و صنعتگران بودند. برای صاحبان هر نوع کسب محلی جداگانه وجود داشت (حموی، ۱۳۸۰، ۳۵۰/۵). مراکز بازرگانان و صنعتگران در جنوب رودخانه صراه در شهر شیعه‌نشین کرخ قرار داشت (جهانی،



۱۳۸۵، ۹۸). در طرف شرق بغداد بازاری جدید ایجاد گردید. علی بن عبدالله بن وصیف الناشیء الحلاء (م. ۳۶۵ق) دارای مذهب شیعه بود که در این بازار یک عطاری داشت (حموی، ۱۳۸۹، ۷۹۴/۲).

از دیگر بازارهایی که تنها مختص یک شغل خاص بود بازار برده‌فروشان بود (طبری، ۱۳۷۵، ۶۳/۸). در قرن‌های چهارم و پنجم هجری برده‌فروشی معمول بود از این جهت در شهرهای بزرگ بازاری وجود داشت که بازار برده‌فروشان نامیده می‌شد. میان بردگان از نظر قیمت تفاوت بسیار بود؛ از صدهزار دینار تا چند درهم. گران‌ترین بردگان کنیزکانی بودند که برای معاشرت با خلفا تربیت می‌شدند. در دوره مورد بحث عزالدوله شیعی دو کنیز داشت که قیمت هر یک از آن‌ها صد هزار دینار بود. بردگان کم‌بها نیز کنیزکان یا غلامانی بودند که برای نظافت خانه خریداری می‌شدند (کبیر، ۱۳۹۸، ۶۲۱).

از دیگر بازارها و مشاغل در محله‌های شیعه‌نشین می‌توان به فروشندگان کاغذ، بازار کتاب‌فروشان با بیش از صد دکان، بازار وراق‌ها در محله شیعه‌نشین کرخ اشاره نمود (ابن کثیر، ۱۴۰۸، ۱۳۰/۱۱). با بررسی مطالب ذکر شده در کتاب ابن کثیر، این گونه باید استنباط کرد که در بازار کتاب‌فروشان اگر از تعداد حدود صد دکان به صورت میانگین نیمی از آن مغازه‌ها اختصاص به تجارت و خرید و فروش توسط بازاریان شیعه داشته باشد - که به نظر در مورد یک محله شیعه‌نشین باید بیشتر باشد - و مغازه‌داران در آن دکان‌ها به امور تجارت کاغذ، استنساخ و فروش کتب پرداخته باشند، باید از لحاظ مالی آن هم به دلیل شکوفایی فرهنگی و علمی در این سه قرن (قرن سوم تا قرن پنجم ق) از درآمد قابل توجهی برخوردار باشند و بر اساس آن، این دسته از دکانداران شیعه در این محله به نسبت از وضعیت اقتصادی مطلوبی برخوردار بوده باشند. به عنوان نمونه ابوالمعالی انصاری حظیری (م. حدود اوایل قرن پنجم ق)، معروف به وراق و دلال الکتاب، از شیعیان حظیره بود که در نیمه قرن پنجم هجری

به بغداد آمد و تا پایان عمر در آنجا زندگی کرد. وی ادیب و فاضل بود و در این بازار خرید و فروش کتاب و دفاتر را انجام می‌داد (حموی، ۱۳۸۹، ۵۸۲/۱).

در قرن چهارم هجری دوره تخصص در مشاغل، میان شیعیان به درجه‌ای عالی رسید (ابن اخوه، ۱۹۳۷، ۱۳۷). در بغداد محله‌هایی بودند که به یک صنعت از صنایع اختصاص داشتند مانند محله شوشتری‌ها (تستری‌ها) در بخش غربی بغداد که محل سکونت اهالی شوشتر بود و در آنجا جامه‌های شوشتری به عمل می‌آمد (شیخعلی، ۱۳۶۲، ۵).

با این تفاسیر روشن می‌شود که شیعیان پس از غیبت صغری و حضور بویه‌یان در رأس قدرت، از وضعیت اقتصادی خوبی نسبت به گذشته و قبل از حضور بویه‌یان برخوردار شدند. تعداد فراوان دکان‌های تجاری و حضور متراکم شیعیان در این محله خود گویای وضعیت اقتصادی مطلوب آنان در این دوران است. همچنین تخصص‌گرایی در میان مشاغل شیعیان به خوبی در این دوره مشهود است که این امر موجبات حضور شیعیان را در عرصه اقتصادی و اجتماعی واجب می‌نمود.

حاکمان بویه‌یی در زمان‌هایی نیز دست به اقداماتی عمرانی-اقتصادی در جهت تسهیل تجارت می‌زدند که به نفع طبقات بازرگان و بازاریان در بغداد ختم می‌گردید. در سال ۳۸۳ق به دستور بهاء‌الدوله دیلمی در منطقه پنبه‌فروشان پلی احداث نمودند (مکی، ۱۳۸۳، ۱۲۸) تا در رفت‌وآمد، بازاریان و تجار تسهیل ایجاد شود و کالاهای تجاری به سرعت در مکان‌های مورد نیاز جابه‌جا شود.

همچنین برای ایجاد امنیت در جامعه که یکی از اولویت‌های حاکمان شیعی بویه‌یی بود، افرادی را تعیین کردند تا بر امور مربوط به زراعت و برداشت محصول، نظارت نموده و از زیاده‌طلبی زمین‌داران و دستبرد راهزنان به کاروان‌های تجاری جلوگیری کنند. این امر به نوبه خود به گسترش امنیت در اجتماع منجر گردید. با ایجاد امنیت در جامعه‌ای که درگیر آسیب‌ها و مخاطرات روزمره بود، اعتماد و



اطمینان میان مردم افزایش یافت و به دنبال آن کسب و کار، بازرگانی و تجارت و زراعت رونق یافت (مقدسی، ۱۳۶۱، ۲/۶۰۵).

بدین ترتیب کرخ در سده‌های چهارم و پنجم هجری با حمایت خاندان شیعی آل بویه نقش مهمی در تجارت شیعیان ایفا کرد (ابن کثیر، ۱۴۰۸، ۱۱/۲۱۳). این محله در مقطع زمانی عنوان شده، یکی از مراکز برجسته در بازرگانی و درآمدزایی برای مسلمانان و بالاخص شیعیان (ابن جوزی، ۱۹۱۸، ۱۲۵) و محل ارتباط تاجران و بازرگانان عراق میان بلاد شام، روم، دیار بکر، مصر و بلخ بود (ناصرخسرو، ۱۳۶۱، ۱۴).

دولت‌های شیعه حمایت‌های زیادی برای رشد اقتصاد در منطقه شیعه‌نشین کرخ انجام دادند. این نکته را نیز باید در نظر داشت هنگامی که محله‌ای به عنوان مرکزی تجاری قلمداد می‌شود، هزینه خرید و اجاره‌بهای املاک در آن افزون می‌گردد و با توجه به این موارد باید شیعیانی که در این محله به تجارت و کسب و کار می‌پرداختند، از درآمد قابل قبولی برخوردار باشند. بدین ترتیب یا باید ملک مورد نظر را اجاره می‌نمودند یا برای خرید مغازه یا تجارتخانه، مبلغ بالایی پرداخت می‌کردند که این هم نشان از توان مالی مناسب شیعیان در دوران حکومت بویه‌یان در امر خرید ملک در این محله دارد. همچنین شیعیانی که در این محله املاک یا مستغلاتی داشتند با دادن اجاره املاک خویش به تجار و دیگر بازاریان، درآمد مناسبی کسب می‌نمودند. در سال ۳۲۸هـ ابونصر شاپور بن اردشیر، وزیر بهاء‌الدوله بویه‌ی در محله کرخ بغداد خانه‌ای خریداری نمود و پس از تعمیر و نوسازی آن را تبدیل به دارالعلم کرد که برای تأمین درآمد آن، دو ساختمان وقف شده بود. یک کارگاه بافندگی به نام دارالغزل و یک مکان برای برگزاری مراسم و جشن‌ها موسوم به اصحاب اللب نیز بود که درآمد این دو مکان صرف هزینه‌های مربوط به دارالعلم شاپور می‌گردید (ابن اثیر، ۱۳۷۵، ۱۴/۱۳۱). عضدالدوله بویه‌ی نیز به رشد اقتصاد و تجارت مناطق عراق از

جمله کرخ توجه فراوان داشت به این دلیل که منطقه مزبور قطب اقتصادی بغداد یا به عبارتی عراق گردیده بود و گروه‌های مختلفی از تجار شهرها و سرزمین‌های دیگر در این محله تجارتي وارد می‌شدند و تجار نیز برای خود مغازه در بازارهای این منطقه خریداری می‌کردند. اما قسمت شرقی شهر بغداد، نیز توسعه و پیشرفت داشت و معمولاً ثروتمندان شهر در آن قسمت سکونت داشتند. در واقع قسمت‌های توسعه یافته آن عبارت از باب‌الطاق، محل سکونت شیعیان در کنار بازار بزرگ قرار داشت (ابن اثیر، ۱۳۷۵، ۲۲/۲۶۵).

خاندان آل‌بویه به علت شیعه بودن، توانستند با حمایت معنوی و مادی شیعیان به بهبود زندگی آن‌ها کمک کنند. البته در طول این سال‌ها برخی تعصبات فرقه‌ای و سیاسی موجب شد محله کرخ بارها دچار آسیب و صدمات اقتصادی گردد که به طور حتم بر امور اقتصادی تجار شیعه در بازارهای این محله نیز تأثیر بسیار زیادی گذاشته است. بازار کرخ از بزرگ‌ترین بازارهای بغداد نقش مهمی در اقتصاد این شهر داشت. لذا تخریب، غارت و یا آتش‌سوزی در این بازار، هزینه اقتصادی هنگفتی را بر ساکنان این منطقه عمدتاً شیعه‌نشین تحمیل می‌کرد. به نظر می‌رسد شیعیان در بازارهای کرخ چندان تمایل به حضور اهل سنت نداشتند و اهل سنت نیز پذیرای شیعیان در بازارهای خویش‌الخصوص باب‌الصره نبودند. آشوب‌های مذهبی میان شیعیان و اهل سنت در سال‌های متمادی نشان از این موضوع دارد که اکثر دکان‌داران و مغازه‌داران کرخ از شیعیان بوده و تنها تاجران خارجی از شهرهای مختلف یا اهل سنتی که در اندیشه مذهبی تعادل داشتند در این بازارها مشغول به کار و یا رفت‌وآمد بودند (ابن اثیر، ۱۳۷۵، ۵۰۶/۶).

فضای درهم تنیده بغداد از ابعاد مختلف اجتماعی و سیاسی و مذهبی همچنین تنوع اقوام و مذاهب در این شهر به دلیل وجود فقیهان، متکلمان و محدثان فرقه‌های مختلف اسلامی و تضارب آراء آن‌ها، امکان وقوع هر نوع درگیری عقیدتی و فرقه‌ای



را نیز به طور قابل توجهی افزایش می‌داد. از سوی دیگر در دوره عباسی خلفا و کارگزاران آنها یعنی آل‌بویه و سلجوقیان با سیاست‌گذاری‌های مذهبی و جهت‌گیری به سمت مذهبی خاص، یعنی شیعه یا سنی، موجی از تنش و آشوب در جامعه بغداد ایجاد کردند. این درگیری‌ها نتایج ناگواری در عرصه‌های مختلف اقتصادی برای پیشه‌وران و صاحبان اصناف در پی داشت. از آنجا که امنیت مهمترین و اساسی‌ترین مسئله در آرامش و رونق اقتصادی است، این درگیری‌ها باعث اضمحلال امنیت و نبود اطمینان از سرمایه‌گذاری و تجارت برای کسب و کار آرام و بازدهی مالی آن بود. همچنین در عمل در افراطی‌ترین حالت منجر به آتش گرفتن و نابودی اموال و مغازه‌ها، غارت دارایی‌ها و حتی کشته شدن پیشه‌وران می‌گردید (صادقی گندمانی، حماني، ۱۴۰۰، ۱۹۲). در فاصله سال‌های ۲۶۰ تا ۴۶۰ ق، بارها بازار بغداد دستخوش آتش‌سوزی و غارت قرار گرفت و این عوامل موجب شد تا با از بین رفتن کالاها اجناس کم و گران شود. در آتش‌سوزی سال ۳۱۴ ق، حدود هزار خانه و دکان در آتش سوخت (ابن کثیر دمشقی، ۱۹۹۸، ۵۴۴/۷). سال ۳۲۳ ق، حریق در کرخ، بازارهای عطارین، جوهرین، خزازین و صیادله را سوزاند (صولی، ۱۹۳۵، ۶۸/۱). در سال ۳۶۱ ق، ابوالفضل بن عباس، وزیر و حاجب وی صافی، به سبب تعصب و افراط در سنی‌گری، محله کرخ را که پایگاه شیعیان و بازرگانان بسیار بود، به آتش کشید و کالاهای بسیاری را سوزاند. در این آتش‌سوزی، هفده هزار انسان جان باخته، سیصد دکان، سی‌وسه پل، بسیاری از ساختمان‌های مسکونی و اموال زیادی از مردم از بین رفت (ابن مسکویه، ۱۳۷۶، ۳۷۱/۶). ابن مسکویه دربارهٔ حوادث سال ۳۶۱ ق می‌نویسد: «در میان پرده‌داران مردی بد اخلاق به نام «صافی» که تعصب سنی‌گری داشت محله کرخ را که پایگاه شیعیان و بازرگانان بسیار بود به آتش کشید. این آتش‌سوزی گسترش یافت و آنقدر کالا را سوزانید که زیان مردم از آن بیش از خرابکاری سفیهان بود»

(ابن مسکویه، ۱۳۷۶، ۳۷۱/۶). برخی احتمال می‌دهند این حمله در پی برگزاری مراسم عزاداری عاشورا اتفاق افتاده باشد (ابن تغری بردی، ۱۳۸۳، ۶۲/۴).

در اوایل قرن پنجم هجری و در هنگام حضور شیخ طوسی در بغداد نیز محله کرخ در درگیری اهل سنت و شیعیان در سال ۴۲۲ق، مناطق سوق العروس، سوق الأنماط، سوق الصفارین و سوق الدقاین آتش گرفته و از بین رفت (ابن تغری بردی، ۱۳۸۳، ۲۱۳/۴). سال ۴۲۶ق، بازار عطارین در آتش سوخت و دکان‌ها و انبارهای تجار مورد غارت عیاران قرار گرفت.

اکنون با در نظر داشتن مستندات تاریخی می‌توان چنین نتیجه گرفت که این حملات و ویرانگری‌ها برای شیعیانی که از لحاظ مالی توان چندانی برای بازیابی سرمایه خویش نداشتند، بسیار زیان آور بوده و آنان را چندین سال از امور تجاری و اقتصادی به عقب رانده است (ابن مسکویه، ۱۳۷۶، ۳۷۱/۶). البته در برخی موارد که فرمانروایان روی خوش به شیعیان نشان می‌دادند در پایان این درگیری‌ها بازار بازسازی می‌گردید و تجار و بازاریان مورد حمایت قرار می‌گرفتند. شیعیان به دلیل اقلیت بودن و باورهای مذهبی خاص خود که خلاف مذاهب چهارگانه اهل سنت بود، بیشتر مورد هجوم قرار می‌گرفتند هرچند مذاهب اهل سنت نیز درگیری‌ها و نزاع‌های فراوانی با هم داشتند. در این میان آتش‌سوزی‌های مداوم کرخ نشانه بارزی از این اختلافات است. به هر حال باید گفت در این میان علاوه بر از دست دادن سرمایه‌های مالی، کشتارها باعث از میان رفتن استادکاران ماهر در میان پیشه‌وران شیعه می‌گردید و صدمات جبران ناپذیری به اقتصاد جامعه شیعی وارد می‌شد. به طور مثال صباح ابراهیم الشیخلی نیز که وضعیت اصناف و پیشه‌وران دوره عباسی را بررسی کرده درباره تخصص‌های متنوع در حرفه‌های گوناگون می‌نویسد: «تقریباً در هر حرفه تخصص‌های مختلف مشاهده می‌شود؛ خیاطان دارای تخصص‌های



گوناگون بودند از آن جمله: رفوگران، قصاران، دقاقان، کلاه‌دوزها و طرازگران. نجاران نیز گروه‌هایی داشتند: نجاران چفت و بندساز و نجاران متخصص ساخت مراکب. شیرینی‌پزها دارای تخصص‌های بسیار بودند و هر دسته از آنان نوعی شیرینی می‌پختند؛ برخی از آن‌ها فالوده، گروهی لوزینه و بعضی نیز قطایف. در میان پزشکان گروه‌های چشم‌پزشک، شکسته‌بند، جراح، فصاد و دامپزشک می‌بینیم» (شیخعلی، ۱۳۶۲، ۶۴).

با توجه به مثال‌های عنوان شده درگیری‌ها و کشتارهای متوالی موجب رکود در صنعت و حرفه‌های پیشه‌وری می‌گردید و با توجه به تخصص‌گرایی در این دوره جبران این خسارات بسیار زمان‌بر بوده است. طوری که اگر فردی بخواهد کارآموده و ماهر شود، باید زمان بسیاری را سپری نماید و این سپری شدن زمان تأثیر خود را در امور اقتصادی شیعیان در آن روزگار برجای می‌گذاشته است.

در قرون چهارم و پنجم هجری تمرکز بازار و محل تجارت و بازرگانی در محله شیعه‌نشین کرخ قرار داشت. در کنار محله باب‌الطاق، بازار زرگرها بود. نام باب‌الطاق پس از مدت کمی بر این منطقه که از شمال و شرق کشیده می‌شد اطلاق گردید و محلات شرق بغداد به محله باب‌الطاق و محلات غرب بغداد به محله کرخ شناخته می‌شدند. در این راه بزرگ‌ترین بازار جانب شرقی بغداد قرار داشت و در دو طرف آن، انواع مختلف کالاها از پارچه‌ها و صنایع دستی فروخته می‌شد که این موضوع بر کثرت مغازه‌های این بازار دلالت می‌کند. بنابراین شیعیان بغداد در بخش تجارت و بازرگانی بسیار فعال بودند و بازرگانان در محلات خاص خود ساکن بودند. محل تجمع آن‌ها در بغداد عبارت از کرخ، بازار یحیی و بازار عطش بود (خطیب بغدادی، ۱۹۳۱، ۱۱۰/۱).

با توجه به شواهد مطرح شده از منابع درباره وجود بازارهای معروف در مناطق شیعه‌نشین عراق باید عنوان کرد که این امر به رشد وضعیت اقتصادی شیعیان بسیار یاری رساند.

همچنین درباره تجار و بازرگانان شیعه نیز باید گفت که بیشتر بازرگانان و تاجران بغداد از شیعیان بودند و تجارت بغداد مانند گذشته توسط شیعیان این ناحیه بوده است (جباری، ۱۳۸۹، ۳۸). در منطقه درب زعفران در محله کرخ رؤسای ماهر از بزرگان و ثروتمندان شیعه زندگی می‌کردند (حموی، ۱۳۸۰، ۴۴۸/۲). نکته دیگر در باب بازرگانی در محله شیعه‌نشین کرخ وجود رود بزرگ عیسی بود که قابلیت کشتیرانی داشت و کشتی‌های بزرگ از ازرقه به آنجا در رفت و آمد بودند و در آن‌ها آرد و اقلامی از شام و مصر مبادله می‌گشت. این رود تا دهانه بازارها و دکان‌ها کشیده شده بود (یعقوبی، ۱۳۷۱، ۲۲).

براساس مطالب عنوان شده، تجارت دریایی و کشتیرانی شهر بغداد در گذشته یکی از محل‌های مبادلات دریایی و بین‌المللی بوده است و محله شیعه‌نشین کرخ نیز با وجود رود بزرگ عیسی از مراکز این مبادلات اقتصادی شده بود. با توجه به این امر مشخص می‌گردد که شیعیان نیز در تجارت بین‌المللی دریایی دوران مورد بحث، سهم مهمی ایفا می‌نمودند و با تجار مناطق دوردست که به این ناحیه سفر کرده بودند به تجارت و تبادل کالا می‌پرداختند و خود نیز برای تجارت با همین کشتی‌ها به کشورهای دیگر رهسپار می‌گشتند و این عمل موجب گسترش و رشد تجارت شیعیان در عرصه بین‌المللی گشته بود.

در دیگر شهرهای شیعه‌نشین عراق نیز بازارها و اماکن تجاری وجود داشت. در شهر نجف به علت توجهی که برخی حکام به رونق بازار داشتند، بازارهای بسیار مناسب برای خرید و فروش کالا وجود داشت همچون بازار بقالان، طباخان، خبازان، میوه‌فروشان، خیاطان، عطاران و... (ابن اثیر، ۱۳۷۵، ۲۱۹/۱).





همچنین در میان شیعیان عراق، مردم بصره مهارت خاصی در تجارت داشتند و به این لحاظ از جایگاه والایی نیز برخوردار بودند (ابن فقیه همدانی، ۱۳۴۹، ۵۱). در شهر بصره سه بازار برای خرید و فروش کالاهای تجاری و محصولات کشاورزی وجود داشت. قطع الکلا در کنار نهر، بازار بزرگ و باب الجامع دایر بود (مقدسی، ۱۳۶۱، ۱۶۲). در شهر حله نیز محل استقرار شیعیان، بازارهایی پررونق و مملو از کالاهای اساسی بود که اکثر صنایع و حرفه‌های ضروری و مؤسسات رفاهی در آن وجود داشت (ابن جبیر، ۱۳۷۰، ۱۸۹). البته با مقایسهٔ ضمان شهر کوفه و قصر ابن هبیره و نواحی آن که در هر ماه شش هزار دینار بود با ضمان حله که حدود اواخر قرن پنجم هجری مقارن حضور شیخ طوسی در بغداد روزی هزار و اندی دینار بوده است، بهتر می‌توان به رونق اقتصادی این شهر پی برد (ابن اثیر، ۱۳۷۵، ۲۲۵/۱). همچنین می‌توان نتیجه گرفت که این ضمان در ماه به صورت تقریبی و بدون احتساب باقیماندهٔ آن سی هزار دینار می‌شود که این رقم برای شهر حله نشان از موقعیت اقتصادی و تجاری مطلوبی در این دوره است. این ضمان بالا و حضور شیعیان در این شهر به صورت اکثریت نشان‌دهندهٔ تکاپوهای گستردهٔ اقتصادی آنان و تجارت پر سود شیعیان در این مرکز تجاری است.

علاوه بر این اسب‌فروشی از دیگر مشاغل پررونق در منطقهٔ شیعه‌نشین حله است که توسط شیعیان رواج فراوان یافت. در دورهٔ مورد بحث، این شهر از مراکز اسب‌های اصیل بوده که شیعیان به خرید و فروش آن می‌پرداختند (ابن جوزی، ۱۴۳۳، ۹۱/۸).

از دیگر شهرهای محل سکونت شیعیان در عراق باید شهر سامرا را نام برد. در این شهر بازارهایی برای خرید و فروش کالاها در قرن سوم هجری ساخته شده بود. در این مورد باید به خیابان السریجه بزرگ‌ترین خیابان و بازار برده‌فروشی در میدان آن اشاره کرد که در آن مغازه‌هایی برای خرید برده وجود داشت، سپس بازارهای

دیگر نیز در این خیابان در طرف راست و چپ بود. بعد از آن بازار بزرگ، مستقل برای هر شغل وجود داشت (العلی، ۲۰۰۱م، ۱۰۲-۱۰۱). در قرن چهارم هجری ارتباطات تجاری و بازرگانی و خرید و فروش اهالی سامرا با اهالی شهر کرخ افزایش یافت که شاید به سبب همسانی مذهبی آنان دادوستدها از رونق بیشتری برخوردار شد.

در این دوره شیعیان، رقبای تجاری هم داشتند. مهمترین رقبای تاجران شیعه در عراق، یهودیان بودند. شهرک یهودیه در حومه اصفهان، مرکز تجاری این شهر به حساب می‌آمد که با شیعیان به تجارت می‌پرداختند. بازرگانان به زبان‌های گوناگون آشنا بودند و از طریق خشکی و دریا به شرق و غرب برای تجارت سفر می‌کردند (سامر، ۱۳۹۱، ۳۱۲). تاجران شیعی برای دست یافتن به بازارهای مطلوب با موقعیت تجاری خویش را هم سو می‌نمودند تا از رقبای خویش عقب نمانند.

۲. مسیرهای تجاری

عراق به دلیل موقعیت سوق‌الجیشی، از نظر تجاری وضعیت مناسبی را برای ساکنان خود فراهم کرده بود. موقعیت بغداد در کناره غربی رود دجله در مکان بلندی که رودهای دجله و فرات به هم می‌پیوست، ممتاز بود. زیرا نقطه اتصال راه‌های منطقه شام و ایران به عنوان یک مرکز تجاری با اهمیت بود. راه‌ها خطوط ارتباطی و مسیرهای مهم تجارت و بازرگانی برای تجار به شمار می‌آمدند که از طریق این خطوط ارتباطی، انواع مال‌التجاره‌ها از نقاط مختلف وارد بغداد می‌شد. علاوه بر این افراد با مذاهب مختلف به قصد تجارت یا سکونت وارد این منطقه شده و این افزایش جمعیت باعث شکل‌گیری نظام مصرف و رونق فعالیت‌های اقتصادی می‌گردید. از آنجا که بعضی از محصولات زراعی بیش از نیاز مصرف داخلی بود و برای تأمین مخارج دولت‌ها نیاز به منابع درآمد بود، به همین جهت تجار شیعه چه به صورت خصوصی و یا با حمایت دولت برای ادامه حیات اقتصادی خود کالاهای مختلفی را



به دیگر مناطق صادر می کردند. بدین ترتیب از قرن سوم تا پنجم هجری، شیعیان در عراق شکوفایی و پیشرفت بسیاری در زمینه تجارت داشتند.

در این دوره خاندان بویهیان شیعی به مسیرهای تجاری زمینی و دریایی توجه ویژه‌ای نشان دادند. آن‌ها کاروانسراهای متعددی را برای استراحت تجار و بازرگانان در راه‌ها تأسیس نمودند. در این کاروانسراها بعضی از افراد مرفه مواد غذایی تجار را فراهم می آوردند.

به عنوان نمونه عضدالدوله شیعی برای رفت و آمد راحت تجار، پل‌های بسیاری ساخت از جمله در بغداد دو پل جدید و قدیم را بنا کرد (ابن جوزی، ۱۹۱۸، ۱۱۴/۷). مسکویه در این باره عنوان کرده که به دلیل این که پل بغداد بسیار تنگ و رفت و آمد از آن بسیار بوده، عضدالدوله دستور داده تا پل را بازسازی کنند و برای آن نرده بسازند تا عبور و مرور آسان شود (مسکویه، ۱۳۷۶، ۱۷۴/۶).

چهار دروازه مهم شهر بغداد که مکان عبور تجار شیعه بود، عبارتند از دروازه کوفه، بصره، شام و خراسان که بر اساس موقعیت تجاری نام گذاری شده بودند. این دروازه‌ها همگی در خارج شهر بغداد قرار داشتند و در منتهی الیه شریان‌های اقتصادی یعنی راه‌های تجاری و خطوط دریایی واقع بودند. مهمترین آن‌ها دروازه خراسان بود. زیرا شاهراه تجاری خراسان از این دروازه شروع می شد (لسترنج، ۱۳۷۷، ۱۰۹). علاوه بر اهمیت تجاری دروازه خراسان که کالاهای متنوعی برای فروش از این طریق وارد بازارهای بغداد می شد، دروازه بصره مقصد نهایی کاروان‌های تجاری شیعیان بود که به طور عمده از اطراف جهان و از جمله ولایات ایران به سمت بغداد می آمد. بنابراین تجار توانستند از این دروازه تجاری نیز کالاهای بسیاری از جمله محصولات ایرانی را وارد بازارهای پایتخت کنند.

یکی دیگر از راه‌های خشکی تجاری بغداد مرتبط به نواحی دوردست شرق راه بغداد - حلوان بود. این راه از بغداد آغاز می‌شد و سپس به خراسان می‌رسید و از آنجا به اواسط آسیا و چین می‌رفت. برای تجارت زمینی نیز یک راه دیگر وجود داشت که نقش مهمی در تجارت تجار شیعه با روسیه داشت. تجار روسی بعد از آن که به سمت غرب می‌رفتند و از اندلس خارج می‌شدند و بعد از سوس الاقصی به طنجه می‌رسیدند و پس از عبور از آفریقا، مصر، رمله، دمشق و کوفه سرانجام به بغداد و از آنجا به بصره، اهواز، فارس، کرمان، سند، هند و چین می‌رفتند. از این طریق نیز بازرگانان حامل کالاهای متنوعی به بازارهای بغداد بودند. در واقع شهر بغداد به مثابه چهارراه تجاری بود که مناطق مهم شامل شام، عربستان، ایران، مصر، چین، هند، حبشه، تبت، خزر، دیلم، ارمنستان و روم را به هم ارتباط می‌داد (لسترنج، ۱۳۷۷، ۷۳). به این صورت بازرگانان شهرهای سر راه ابریشم را می‌پیمودند و در بازارهای ایران، عراق و هند در نواحی خلیج فارس، فرات، انطاکیه رفت و آمد می‌کردند و به امر تجارت مشغول بودند و اقتصادشان رونق داشت (امین، بی تا، ۲/ ۲۴۲).

بغداد نیز از طریق راه‌های دریایی، با بسیاری از سرزمین‌ها ارتباط برقرار نمود. این امر برای تجار شیعه زمینه مناسبی را فراهم می‌کرد. این راه‌ها در کنار خطوط کشتیرانی، عامل مهم رونق اقتصادی بغداد بودند. دو رود دجله و فرات که شهر را مانند جزیره‌ای در بر گرفته بودند، نقش پراهمیتی در تجارت داخلی شهر بغداد داشته و مهم‌ترین راه‌های دریایی برای تجارت با سایر مناطق محسوب می‌شدند. شهر بغداد از طریق مسیر کشتیرانی دجله با شهرهای واسط، بصره، ابله، اهواز، موصل، یمامه، بحرین، دیار ربیعه و سرزمین‌های چین، هند، جزیره و روم ارتباط داشت و از طریق مسیر کشتیرانی فرات به رقه، شام و مصر مرتبط می‌گشت. نهر عیسی نیز دو رود دجله و فرات را به هم پیوند می‌داد و پس از این که از فرات منشعب گردید، به دجله





سرازیر می‌گشت. در اهمیت این رود باید عنوان کرد که کالاهای تجاری ارمنی‌ها، کشورهای روم از شمال و نیز شام و مصر از غرب از طریق نهر عیسی به بغداد می‌رسید (ابن حوقل، ۱۳۲۸، ۶۸). در این دوره راه‌های تجاری نقش مهمی در رونق اقتصادی بغداد داشت. این امر توانست در دوره مورد بحث عاملی اساسی برای توسعه و رونق بازارهای شیعیان به شمار برود (ابراهیم حسن، ۱۳۸۰، ۲/۲۶۸). نهر عظیم عیسی که از فرات جدا می‌شد و به دجله می‌ریخت، تا کرخ از محله‌های شیعه نشین شهر بغداد می‌آمد و از این طریق کشتی‌های بزرگ که از رقه می‌رسید انواع کالاها را از شام و مصر برای بازارهای بازرگانان شیعه محله کرخ در دهانه این نهر وارد می‌کردند (یعقوبی، ۱۳۸۱، ۲۲).

موقعیت سوق الجیشی شهر شیعه‌نشین حله نیز آن را شاهراه ارتباطی دارالخلافه بغداد با شام و شبه جزیره عربستان قرار داده بود. این شاهراه تجاری (بغداد-کوفه) جزء راه‌های پرتردد و صف شده است. حله در مسیر مهمترین جاده‌های کاروانی قرار داشت و از طریق نهرها و کانال‌هایی که فرات را در قسمت شمال شرقی به دجله و فرات متصل می‌کرد، میان راه آبی به شمار می‌آمد. بدین ترتیب شهر شیعه‌نشین حله، بغداد را به عنوان یکی از مهم‌ترین شهرهای قلمرو اسلامی به خلیج فارس مسیر آبی قابل کشتیرانی متصل می‌کرد (ابن عمرانی، ۱۴۱۲، ۲۱۴). این شرایط باعث رونق تجارت شیعیان این شهر گردید (ابن جبیر، ۱۳۷۰، ۱۹۱).

در قرن سوم هجری شهر شیعه‌نشین بصره نیز از مهمترین بندرهای تجاری شیعیان به علت قرار گرفتن در کنار دجله و متصل بودن آن به خلیج فارس، مسیر رفت و آمد بازرگانان زیادی بوده است. زمان معزالدوله دیلمی شیعی یکی از بندرهای معتبر شمال خلیج فارس، مرکز تجارت شیعیان و ساکنان منطقه بین‌النهرین و مبدأ مبادلات تجاری در بخش جنوب شرقی به شمار می‌رفت (بورلو، ۱۳۸۱، ۱۱۸). همچنین خط کشتیرانی و کاروان تجارتنی از شرق بصره تا هندوچین امتداد داشت و در لنگرگاه

آن همه روزه کشتی‌های بسیاری توقف می‌کردند. تجار به خاطر موقعیت مناسب آن، انواع کالاها را به آنجا می‌بردند و یا برای خرید از کشتی‌هایی که کالاها را وارد می‌کردند به آنجا می‌رفتند به طوری که همواره این بندر مملو از تجار بود (زیدان، ۱۳۹۴، ۳۸۳) محصولات آنکه از بندر بصره به دیگر مناطق صادر می‌گشت عبارت بود از خرما، حنا، ماهی، خز و پارچه و غیره که به کشورهای هند، چین و ایران صادر می‌گشت (مستوفی، ۱۳۸۸، ۷۸). در این بندرگاه تجاری با برقراری روابط تجاری با دیگر نواحی و ورود کالاهای گوناگون به داخل عراق، باید شهر بصره تجارت گسترده و منسجمی را با دیگر بلاد دور چون چین و هند و مصر ایجاد کرده باشد. همچنین چون در بندرگاه بصره کالاها به صورت عمده به فروش می‌رسید و از آنجا به دیگر نقاط سرزمین‌های اسلامی منتقل می‌گردید، وجود شبکه‌ای قدرتمند برای نقل و انتقالات تجاری ضروری به نظر می‌رسد. با در نظر گرفتن حجم بالای مبادلات تجاری دریایی و زمینی سود سرشاری عاید تجار و دکان‌داران شیعه در این ناحیه می‌شده است.

۳. تاجران و فعالان شیعه

تاجران شیعی مذہب در دوره مورد بحث، علاقه و انگیزه وافری به تجارت و رشد اقتصادی داشته‌اند. آن‌ها در این راستا دست به تکاپوهای تجاری فراوانی زدند که در دوره‌های بعد مبنای بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی گردید. شیعیان عراق در طی قرن‌های سوم تا پنجم هجری از شهرها و بلاد دیگر به مبادله انواع کالاها می‌پرداختند. بازرگانان شیعه بیشتر در بغداد، کرخ، بصره و کوفه سکونت می‌کردند (زیدان، ۱۳۹۴، ۹۰۱/۱). مرفه‌ترین بازرگانان در این دوره بازرگانان پارچه و ابریشم بودند. برای مثال ارزش پولی یک محموله که از چین وارد می‌شد، تقریباً پانصد هزار دینار قیمت داشت (مکی، ۱۳۸۳، ۲۹۰-۲۸۴).





سلیمان بن عبدالله دیلمی (م. حدود قرن سوم ق) نیز از تاجران شیعه و ساکن کوفه بود. وی به کار خرید و فروش برده مشغول بود، از خراسان بردگان دیلمی می خرید و به کوفه می آورد. در قبال آن کالاهای تجاری را به خراسان صادر می کرد. وی به خاطر تجارت بسیار بردگان این منطقه به دیلمی معروف شد (ابن داوود، بی تا، ۵۱۸). در این دوره تجارت بردگان از شاخه های مهم تجاری در عراق و ایران بود. بردگان از کشورهای اروپای شرقی، هندوستان، آفریقا و دیگر مناطق وارد می شدند. در قرون سوم و چهارم هجری بغداد در غرب جهان اسلام بار اصلی تجارت سرزمین های شرقی را داشت (اشپولر، ۱۳۸۰، ۱۸۵).

محسن بن مرتضی اعرجی کاظمی معروف به محقق کاظمی و یا محقق بغدادی (م. حدود نیمه قرن سوم ه) نیز از دیگر تاجران شیعه این دوران بود. وی عالم، فقیه اصولی و محقق نیز بود. محقق بغدادی چهل سال از عمر خود را به تجارت اشتغال داشت و از مناطق مختلف کالا خرید و فروش می کرد (أمین، ۱۴۱۵، ۴۶/۹).

در بین تاجران کسانی که عالم، محدث و فقیه بودند و در کنار کسوت علمی کار بازرگانی انجام می دادند، در میان مردم مقبول تر بودند. آن ها به صورت هم سو و در راستای کار تجاری و بازرگانی به انتقال اندیشه ها و نظرات شیعیان در دیگر مناطق نیز می پرداختند و در مباحث مهم علمی و فقهی شرکت می کردند و اقدام به برگزاری کلاس های درس در شهرهای محل تجارت خود می نمودند. همچنین انتخاب کشور جهت انجام کار تجاری با قصد دیدار بزرگان علمی، حکمی و فقهی نیز بوده است.

سعد بن حسن سلیمان (د. اواخر قرن سوم ق) از دیگر تاجران در بغداد سکونت داشت، برای تجارت به شهرهایی چون شام، عراق، مصر و غیره سفر می کرد و کالاهایی همچون ادویه، پارچه و از این قبیل را وارد می کرد. وی در کنار شغل

تجارت اشعاری نیز می‌سرود و شعرهایی در مدح و ثنای حضرت علی و اهل بیت علیهم‌السلام دارد که دلیل بر شیعه بودن وی می‌باشد (صفدی، ۲۰۱۰، ۱۷۹).

در قرن چهارم محله کرخ بغداد که شیعیان در آن جا مستقر بودند، رونق اقتصادی خاصی داشت و تجار معروف در آن جا سکونت داشتند. در واقع شیعیان در شغل‌های مختلفی به فعالیت می‌پرداختند که گستره حضور آنان در عرصه اقتصادی بسیار قابل تأمل است چرا که حتی تولید برخی از کالاها در بازارهای تخصصی از جمله تجارت برده، ابریشم و کالاهای تجملی در دست شیعیان بوده است.

نتیجه‌گیری

تشکیل دولت‌های شیعی در عراق باعث تغییراتی در وضعیت اقتصادی شیعیان در سرزمین‌های اسلامی گردید و به موازات آن فعالیت‌های اقتصادی شیعیان گسترش چشمگیری پیدا کرد. ورود شیعیان به عرصه اقتصادی موجب رشد تجارت در میان شیعیان و سایر تجار در دیگر مناطق عراق گردید طوری که مراکز شیعه‌نشین از جمله کرخ در منطقه بغداد همچنین شهر حله به مقاصد اصلی تجار و بازرگانان در عراق تبدیل گردید. در پی شرایط به وجود آمده در اثر امنیت راه‌ها و ایجاد مراکز تجاری و تسهیل در امور تجارت، بازرگانان و تجاری‌شماری وارد شهر عراق شدند و مراکز و بازارهای تجاری رونقی افزون گرفت. در این میان برخی از شیعیان که از پشتوانه مالی قابل قبولی برخوردار بودند با توجه به فضای سیاسی به وجود آمده در این دوره، وارد عرصه تجارت و بازرگانی شدند طوری که شهر شیعه‌نشین کرخ، مقر تجارت و مبادلات تجاری شیعه گردید و تاجران از اقصی نقاط دنیا به این منطقه وارد می‌شدند و به معاملات تجاری می‌پرداختند و اجناس و کالاهای متنوعی که در این بازارها به آنان عرضه می‌گشت را خریداری نموده و رهسپار سرزمین خویش می‌گردیدند. در شهر بغداد و محله شیعه‌نشین کرخ اغلب اجناس لوکس و تجملی و مورد تقاضای جامعه یافت می‌شد. شهر شیعه‌نشین حله نیز در نتیجه مرادوات تجاری و بازرگانی



توسط تجار رونق گرفت. شهر بصره نیز با توجه به حضور شیعیان همچنین موقعیت تجاری مناسب به دلیل وجود راه‌های دریایی و لنگرگاه‌های مناسب، مورد توجه تجار و بازرگانان قرار گرفت و اجناس و کالاهای متنوعی از لوازم منزل تا محصولات کشاورزی و مواد غذایی از راه بنادر بصره به دیگر نقاط جهان صادر می‌گردید. سیاست دولت شیعه بویهی در این دوره، کمک‌های بسیاری به تجارت شیعیان در عراق نمود و سبب شد آنان موقعیت‌های تجاری ارزشمندی کسب کرده و با سایر مناطق مانند شام، مصر و ایران نیز ارتباط تجاری برقرار نمایند. بازارهای گسترده و بزرگ در شهرهای شیعه‌نشین در دل خویش کالاهای متنوعی را جای می‌دادند که خریدارانی از اقصی نقاط جهان داشتند. در این بازارها هر راسته متعلق به گروهی از اصناف بود که به خرید و فروش کالای تخصصی می‌پرداختند. در مجموع می‌توان عنوان کرد که بازاریان و تجار شیعه در شهرهای عراق در دوره دولت شیعه مذهب آل بویه از وضعیت اقتصادی مطلوبی برخوردار بودند.

منابع

۱. ابراهیم حسن، حسن، **تاریخ سیاسی اسلام**، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر، ۱۳۸۰ش.
۲. ابن اثیر، ابوالحسن، **تاریخ کامل**، ترجمه حسن روحانی، تهران، اساطیر، ۱۳۷۵ش.
۳. ابن اخوه، محمد بن احمد، **معالم القریه فی احکام حسبه**، بی جا، طبعه المکتبه، ۱۹۳۷م.
۴. ابن جبیر، محمد بن احمد، **سفرنامه**، ترجمه پرویز اتابکی، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰ش.
۵. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، **المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم**، حیدرآباد، بی نا، ۱۹۱۸م.
۶. ابن جوزی، یوسف بن قزوغلی، **مراه الزمان فی تاریخ الاعیان**، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۳۴ق.
۷. ابن حوقل، ابوالقاسم محمد بن علی، **صوره الارض**، قاهره، دارالمکتبه حیا، ۱۳۲۸ق.
۸. ابن خردادبه، ابوالقاسم عیبالله بن عبدالله، **المسالك والممالک**، تهران، مؤسسه مطالعات و انتشارات تاریخی میراث ملل، ۱۳۷۱ش.
۹. ابن داوود، تقی الدین الحسن بن علی، **رجال**، بی جا، منشورات الشریف الرضی، بی تا.
۱۰. ابن عبری، غریغوریوس، **مختصر تاریخ الدول**، بیروت-لبنان، دارالمشرق، ۱۹۹۲م.
۱۱. ابن عمرانی، محمد بن علی، **تاریخ الخلفاء**، قاهره، دارالآفاق العربیه، ۱۴۱۲ق.
۱۲. ابن فقیه همدانی، ابوبکر احمد بن محمد، **مختصر کتاب البلدان**، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۹ش.
۱۳. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمر، **البدایه والنهایه ومعه نهایه البدایه والنهایه فی الفتن والملاحم**، به کوشش یوسف الشیخ محمد البقاعی، صدقی جمیل العطار، بیروت، دارالفکر، ۱۹۹۸م.





۱۴. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، **البدایه والنهایه**، قم، مکتبه المعارف الاسلامیه، ۱۴۰۸ق.
۱۵. اسپولر، بارتولد، «تجارت سرزمین‌های شرقی در سده‌های نخستین»، **تاریخ اسلام**، ش ۵، ۱۳۸۰، صص ۱۹۶-۱۸۳.
۱۶. امین، احمد، **ظهر الاسلام**، بیروت، دارالکتب العربی، بی تا.
۱۷. امین، محسن، **مستدرکات اعیان الشیعه**، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۱۵ق.
۱۸. بدری، محمد فهید، **العامة ببغداد فی القرن الخامس الهجری**، بغداد، مطبعه الارشاد، ۱۳۸۷ش.
۱۹. بورلو، ژوزف، **تمدن اسلامی**، ترجمه اسدالله علوی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس، ۱۳۸۱ش.
۲۰. بویل، جی.آ، **تاریخ ایران کمبریج**، ترجمه حسن انوشه، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۹ش.
۲۱. جباری، محمدرضا؛ احسانی، سید محمد، «اوضاع شیعیان عراق در عصر صادقین (علیهم‌السلام)»، قم، **تاریخ اسلام در آئینه پژوهش**، ش ۴، ۱۳۸۹، صص ۶۲-۲۹.
۲۲. جهانیه، ابوالقاسم بن احمد، **اشکال العالم**، ترجمه علی بن عبدالسلام کاتب، مشهد، شرکت به نشر، ۱۳۸۵ش.
۲۳. حموی، ابو عبدالله یاقوت، **معجم البلدان**، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۸۰ش.
۲۴. حموی، ابو عبدالله یاقوت، **معجم الادباء**، تهران، سروش، ۱۳۸۹ش.
۲۵. خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی، **تاریخ بغداد**، قاهره، دارالکتب العربی، ۱۹۳۱م.
۲۶. الدوری، دومینیک سوردل، **دارالخلافه بغداد- تاریخ کهن**، جغرافیای تاریخی و سرگذشت اولیه بغداد، ترجمه ایرج پروشانی، اسماعیل دولشاهی، تهران، مؤسسه فرهنگی و هنر، ۱۳۸۷ش.

۲۷. روی، متحده، **اوضاع اجتماعی در دوره آلبویه**: وفاداری ورهبری در جامعه اسلامی سده های نخستین (سده های چهارم و پنجم هجری)، ترجمه محمد دهقانی، تهران، نارمک، ۱۳۹۴ ش.
۲۸. زیدان، جرجی، **تاریخ تمدن اسلام**، ترجمه علی جواهر کلام، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۹۴ ش.
۲۹. سامر، فیصل، **دولت حمدانیان**، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۱ ش.
۳۰. سعید الشیخی، صباح ابراهیم، **اصناف در عصر عباسی**، ترجمه دکتر هادی عالم زاده، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۲ ش.
۳۱. صادقی گندمانی، علی، حمانی، کامران، «نقش منازعات مذهبی در تضعیف اقتصادی پیشه وران بغداد در قرون چهارم و پنجم هجری»، **پژوهش های تاریخی ایران و اسلام**، ش ۲۸، ۱۴۰۰، صص ۲۰۶-۱۸۸.
۳۲. صفدی، صلاح الدین خلیل بن ایبک، **الوافی بالوفیات**، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۲۰۱۰ م.
۳۳. صولی، محمد بن یحیی، **الاوراق - اخبار الرازی بالله و الممتقی الله**، به اهتمام هیومرثدن، مصر، مطبعه الصاوی، ۱۹۳۵ م.
۳۴. طبری، محمد بن جریر، **الرسال و الملوک**، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر، ۱۳۷۵ ش.
۳۵. طوسی، محمد بن حسن، **رجال الطوسی**، قم، جماعة المدرسین فی الحوزه العلمیه قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۳۸۷ ش.
۳۶. العلی، صالح احمد، **ساموا درسه فی النشاه و البنیه السکانیه**، بیروت، شرکه المطبوعات للتوزیع و النشر، ۲۰۰۱ م.
۳۷. فرای، ریچارد، **عصر زرین فرهنگ ایران**، تهران، سروش، ۱۳۸۸ ش.
۳۸. قبادیانی بلخی، ناصر خسرو، **سفرنامه**، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۱ ش.
۳۹. قهرمانی، ابوالفتح، «سکه نشان قومیت و آزادگی»، **هنر و مردم**، ش ۱۰۴، ۱۳۵۰، صص ۳۱-۹.



۴۰. کبیر، مفیزالله، **آل بویه در بغداد**، ترجمه رشید یاسمی، تهران، انتشارات نگاه، ۱۳۹۸ش.
۴۱. لسترنج، گای، **جغرافیای سرزمین‌های خلافت شرقی**، ترجمه محمود عرفان، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چ سوم، ۱۳۷۷ش.
۴۲. مستوفی، حمدالله، **نزهة القلوب**، به کوشش محمد دبیر سیاقی، قزوین، نشر حدیث امروز، ۱۳۸۸ش.
۴۳. مسکویه، ابوعلی، **تجارب الامم**، ترجمه علی نقی منزوی، تهران، انتشارات توس، ۱۳۷۶ش.
۴۴. مقدسی، ابوعبدالله، **احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم**، ترجمه علینقی وزیری، تهران، کومش، ۱۳۶۱ش.
۴۵. مکی، محمد کاظم، **تاریخ تمدن اسلامی در خلافت عباسیان**، ترجمه محمد سپهری، تهران، سمت، ۱۳۸۳ش.
۴۶. یحیایی، علی، مصباحی، محمدرضا، **دو سکه از دوره بویان در مؤسسه شرقشناسی**، (مجموعه مقالات آل بویه (اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی) مؤلفان: ناگل، باسورث، لوییس، متحده، خان، هاخ مایر، ژیوا، بوسه، ابوت، بیوار، باون)، تهران، پژوهشکده تاریخ اسلام، ۱۳۹۶ش.
۴۷. یعقوبی، احمد بن ابی واضح، **تاریخ یعقوبی**، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۱ش.
۴۸. یعقوبی، احمد بن ابی واضح، **البلدان**، ترجمه محمد آیتی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۱ش.